



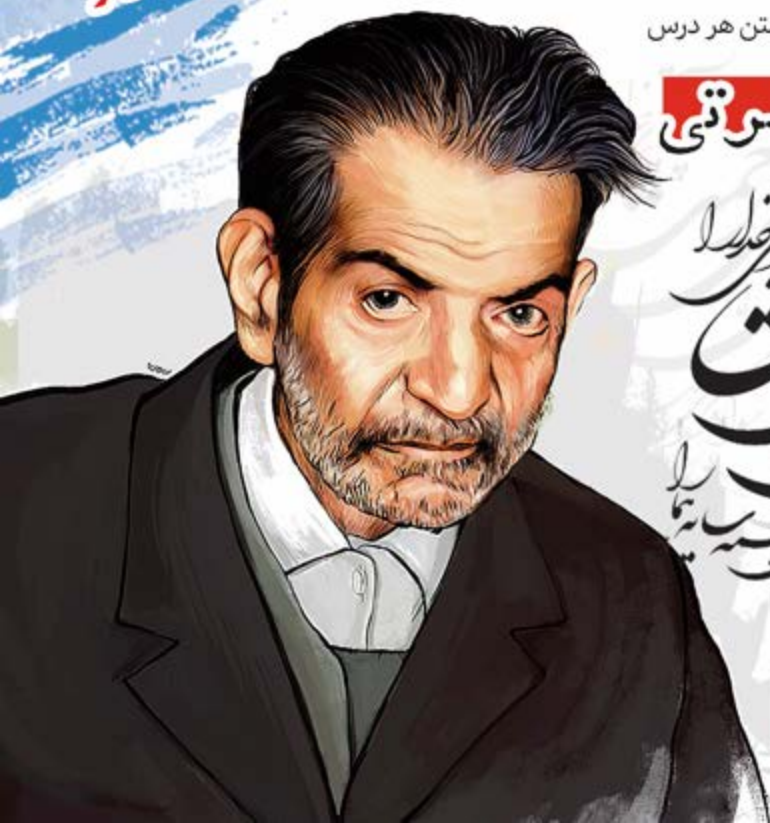
فارسی برترنهم

آموزش کامل و نکات طلایی
ویژه دانش آموزان مدارس برتر

- معانی لغات دشوار هر درس
- معانی و شرح روان بیت ها و نثرها
- نکات طلایی دانش‌های ادبی و زبانی بیت‌ها و نثرها
- اعلام اشخاص و آثار به صورت درس به درس
- بررسی مفصل نکات ادبی و زبانی هر درس
- لغات املائی موجود در متن هر درس

حسین عشرتی

توضیح اثر خلیل
عبدالمجید حمزتی
مکتب مایه‌فکر



فارسی برترنهم

آموزش کامل و نکات طلایی
ویژه دانش آموزان مدارس برتر

حسین عشرتی

نشر لوج برتر



سرشناسه : حسین عشرتی
عنوان و نام پدیدآور : فارسی برتر نهم: آموزش کامل و نکات طلایی ویژه دانش‌آموزان مدارس برتر/ حسین عشرتی.
مشخصات نشر : تهران: لوح برتر، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری : ۱۰۳ص؛ جدول؛ ۲۲ × ۲۹ س م
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۲-۸۹-۳
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپای مختصر
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۸۹۸۹۲۸۹
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی : فیپا

نام کتاب : فارسی برتر نهم، آموزش کامل و نکات طلایی، ویژه دانش‌آموزان مدارس برتر

مشخصات نشر : حسین عشرتی

انتشارات : لوح برتر

مدیر مسئول : صادق گرجی

ویراستار : گروه ویراستاری

طراح جلد : گروه گرافیک

نوبت چاپ : اول ۱۴۰۰۱

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۲-۸۹-۳

تیراژ : ۱۰۰۰

بها: ۱۲۸ / ۰۰۰ تومانی

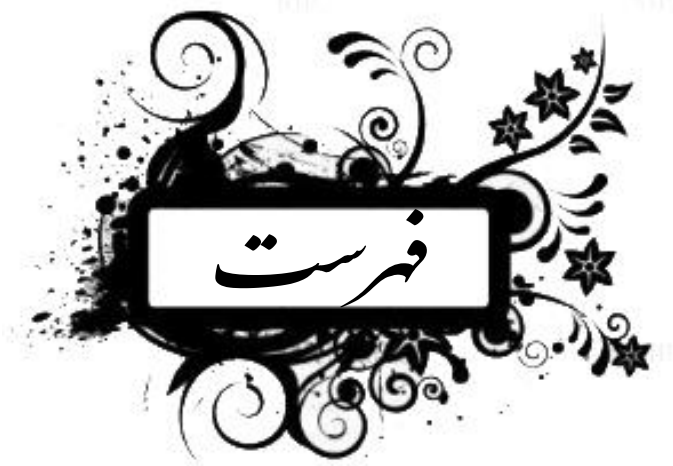
به موجب ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ کلیه حقوق این

کتاب برای انتشارات لوح برتر محفوظ می‌باشد و هیچ شخص حقیقی و یا حقوقی، حق استفاده از آن را

ندارد و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

تلفن‌های توزیع و پخش انتشارات لوح برتر

۰۲۱ - ۶۶ ۹۷۱ ۹۷۰ ۶۶ ۹۷۱ ۸۰۴ ۶۶ ۱۷۵ ۰۵۳



صفحہ	عنوان	صفحہ	عنوان
۵۹	درس دہم: آرشی دیگر	۵	ستایش: بہ نام خداوند جان و خرد
۶۳	حکایت: نیک رایان	۷	درس اول: آفرینش ہمہ تنبیه خداوند دل است
۶۵	درس یازدہم: زن پارسا	۱۱	حکایت: سفر
۶۹	روان خوانی: دروازہ ای بہ آسمان	۱۲	درس دوم: عجایب صنع حق تعالیٰ
۷۱	درس دوازدهم: پیام آور رحمت	۱۶	شعرخوانی: پرواز
۷۵	حکایت: سیرت سلمان	۱۸	درس سوم: مثل آینه، کار و شاسیتگی
۷۷	درس سیزدہم: آشنای غریبان	۲۲	حکایت: باغبان نیک اندیش
۷۹	میلاد گل	۲۴	درس چہارم: ہم نشین
۸۳	درس چہاردہم: پیدای پنہان	۲۹	روان خوانی: دریچہ های شکوفایی
۹۰	شعرخوانی: بود قدر تو افزون از ملایک	۳۱	درس پنجم: آزاد
۹۲	درس پانزدہم: آزاد	۳۳	درس ششم: آداب زندگی
۹۴	درس شانزدہم: آرزو	۳۸	حکایت: شو خطر کن
۹۹	درس ہفدہم: شازدہ کوچولو	۴۰	درس ہفتم: پرتو امید
۱۰۱	روان خوانی: دو نقاش	۴۵	درس ہشتم: ہمزیستی با مام میہن
۱۰۲	نیایش: بیا تا بر آریم دستی ز دل	۵۰	شعرخوانی: دوراندیشی
		۵۳	درس نہم: راز موقفت

مقدمه مؤلف



خدایا شروع سخن نامِ توست
دل از نام و یادت بگیرد قرار
وجودم به هر لحظه آرامِ توست
خوشم چون که باشی مرا در کنار

الهی! به حق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده!

الهی! راز دل را نهفتن دشوار است و گفتن دشوارتر.

الهی! وای بر من اگر دانشم رهنم شود و کتابم حجاب.

وای من! اگر دستم نگیری و رهایی ام ندهی!

الهی! اهل ادب گویند به صدرم تصرفی بفرما، این بی ادب گوید بر بطنم دست تصرفی نه.

الهی! دلخوشم که الهی گویم.

دانش آموزان گرامی کتاب فارسی برتر در خدمت شماست.

کتاب فارسی برتر ضمن نگاه و توجه به کتاب فارسی خودتان فراتر و ارزنده تر جهت مطالعه درس به درس تالیف شده است.

عزیزان من با مطالعه و تسلط به آموزه های این کتاب می توانید برای حضور در آزمون های هماهنگ کشوری و مدارس برتر

کشور آماده شوید.

اهم مطالب هر درس از این کتاب بدین شرح است.

۱- لغات مهم و معانی

۲- معانی بیت ها و نثر ها

۳- دانش های ادبی و زبانی مهم بیت ها و نثر ها

۴- تاریخ ادبیات یا اعلام اشخاص و آثار

۵- بررسی مفصل نکات ادبی یا زبانی کتاب فارسی

۶- لغات املائی موجود در متن درس

در پایان از راهنمایی دوستان و همکاران گرامی، به ویژه زحمات جناب آقای صادق گرجی مدیر مسئول انتشارات لوح برتر نهایت

تقدیر و تشکر را دارم.

ستایش

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نروم جز به همان ره که تو ام راهنمایی

سنایی غزنوی

معنی: خدایا تو را یاد می‌کنم. زیرا تو پاک و خدای من هستی. فقط همان راهی را می‌روم (صراط مستقیم) که تو راهنمای من هستی.

دانش ادبی: خدایی و راهنمایی: قافیه / ره: مخفف راه/ملکا: استعاره از خداوند / واج آرایی: در صامت های (ک، ی) / مصراع اول به آیه ی « الحمد لله رب العالمین » و مصراع دوم به آیه ی « اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم » تلمیح دارد.

دانش زبانی: ملکا: منادا + حرف ندا / بیت ۶ جمله دارد. / (ی) در واژه های (پاکی ، خدایی و راهنمایی) در نقش فعل هستند. / (ام) در واژه (توأم) مضاف الیه است. و راهنما، مضاف.

سنایی غزنوی: ابوالمجد محدود بن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز، شاعری مداح ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوستدار آل علی (ع) بود. از آثار او می‌توان به «سیر العباد الی المعاد»، «حدیقه الحقیقه» و «کارنامه بلخ» اشاره کرد.

لغات	معانی	لغات	معانی
خرد	عقل و اندیشه	بینندگان	دو چشم
روزی ده	روزی دهنده	راه یافتن	رسیدن، داخل شدن
کیوان	سیاره زحل	ستودن	ستایش کردن
گردان سپهر	آسمان گردان، آسمان چرخنده	نداند	در اینجا یعنی نمی‌تواند
فروزنده	برافروز، روشن کننده	میان بستن	آماده کاری شدن
ناهید	سیاره زهره	برنا	جوان
مهر	خورشید		

به نام خداوند جان و خرد

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

معنی: با نام خداوند آفریننده جان و اندیشه، سخن خود را آغاز می‌کنم؛ زیرا اندیشه انسان از این فراتر نمی‌رود و نمی‌تواند درک کند.

دانش ادبی: خرد و نگذرد: واژگان قافیه / جان، خرد، اندیشه: مراعات نظیر / واج آرایی: صامت های «ر، ن»

خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

معنی: او خدایی است که آفریننده ی همه چیز است؛ (جهان مادی و جهان آخرت)، خدایی که روزی می‌رساند و راه را به ما نشان می‌دهد.

دانش ادبی: تکرار خداوند: آرایه تکرار / خداوند مصراع اول با خداوند مصراع دوم جناس دارند. / مصراع دوم تلمیح به رزاق بودن خداوند.

نام و جای: مضاف الیه / روزی ده و رهنمای: صفت

فـروزنده ماه و ناهید و مهر
خداوند کیوان و گردان سپهر

معنی: خداوند همه چیز را آفریده است؛ کیوان بالاترین سیاره آسمان، آسمان گردنده، ماه پر نور و سیاره ی ناهید و خورشید

دانش ادبی: سپهر و مهر واژگان قافیه/کیوان، سپهر، ماه، ناهید، مهر:مراعات نظیر/گردان سپهر: تلمیح به اعتقادات گذشتگان و گردنده بودن آسمان

دانش زبانی: گردان سپهر: ترکیب وصفی مقلوب / فروزنده: صفت جانشین اسم

نـبینی، مـرنجان دو بیننده را
بـه بینندگان، آفریننده را

معنی: به وسیله ی دو چشمانت نمی توانی خداوند را ببینی؛ پس تلاش برای دیدن خداوند کار بیهوده‌ای است و این کار به جز آزردن و رنجاندن چشم‌ها، فرجامی ندارد.

دانش ادبی: آفریننده و بیننده: واژگان قافیه / را: ردیف/بینندگان و بیننده: ایهام / واج آرای صامت های(ن ، د)

دانش زبانی: دو بیننده: مفعول / آفریننده: صفت جانشین اسم

کـه او برتر از نام و از جایگاه
نـیابد بدو نیـز، اندیشه راه

معنی: همچنین اندیشه ی انسان برای رسیدن به حضور خداوند راهی ندارد. زیرا که او از نام و مکان بالاتر است. و غیر قابل درک و فهم است.

دانش ادبی: راه و جایگاه: قافیه/راه نیافتن اندیشه: کنایه از درک نکردن اندیشه

دانش زبانی: بدو: به + او(متمم) / حذف فعل (است) در مصراع دوم به قرینه معنوی

مـیان بندگی را بـایدت بست
سـتودن نـداند کس او را چو هست

معنی: هیچ کس نمی تواند او را چنان که شایسته اوست ستایش کند، پس باید به بندگی و اطاعت از او سعی و تلاش کند.

دانش ادبی: هست و بست: قافیه و جناس ناقص / مصراع دوم کنایه از آماده خدمت بودن و بندگی کردن

دانش زبانی: «ت» در بیایدت: ضمیر است و نقش نهاد دارد.

ز دانشش، دل پـیر، برنا بود
تـوانا بـود هر کـه دانا بـود

معنی: انسان دانا و آگاه در انجام کارها موفق و پیروز است. دانش باعث می‌شود انسان پیر مانند جوانان، زنده دل باشد.

دانش ادبی: دانا و برنا: واژگان قافیه / بود: ردیف / پیر و برنا: تضاد / دانا و دانش: تناسب

دانش زبانی: دانش، دانا، توانا: وندی

فردوسی، ابوالقاسم: فردوسی در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت به سال ۴۱۱ هـ. ق درگذشت و در توس به خاک سپرده شد. فردوسی در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته ای دارد.

درس اول

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دیده ای نیست نبیند رخ زیبای تورا نیست گوشی که همی نشنود آوای تورا

معنی: چشمی وجود ندارد که چهره ی زیبای تو را نبیند و هیچ گوشی وجود ندارد که صدای تو را نشنود.

امام خمینی (ره)

دانش زبانی: نیست در مطراع اول و دوم به معنی وجود نداشتن؛ فعل اسنادی نیستند.

معانی	لغات	معانی	لغات
بامداد	جهالت	صبح، هنگام طلوع آفتاب	نادانی
لیل	مُسَخَّر	شب	رام و مُطیع
نهار	اندر	روز	در، در مورد
دامن صحرا	رحمت	گسترة صحرا، پهنه دشت	مهربانی
تنبیه	بار خدا یا	هوشیار کردن، آگاه کردن کسی	خداوندا، ای خدا
خداوند دل	إنعام	انسان عارف و خداشناس	بخشش، نعمت دادن
اقرار	سعدیا	اعتراف	ای سعدی
عجب	راست رَوان	در اینجا یعنی عجیب	درست کاران
فکرت	گوی	اندیشه	گلوله ی کوچک
تسبیح	گوی را بُردن	خدا را یاد کردن، نیایش کردن	کنایه از برتری یافتن
مستمع	منزل	شنونده	خانه، مقصود، هدف
اسرار	کج رفتار	جمع سر، رازها	کسی با رفتار نادرست
مرغ سحر	درنگ	بلبل (در اینجا به معنای خروس است)	مکث، تأمل
خفته	معرفت	خوابیده	شناخت، علم حقیقی
الوان	گِرد خویش می گردم	جمع لون، رنگ ها، رنگ ها	در درون خود می جویم.
گل صد برگ	غفلت	گلی پُر پر به رنگ های سفید، زرد، ...	نا آگاهی، بی خبری
حیران	داند	شگفت زده، متعجب، سرگشته	بلد است، می تواند
حَقّه	زَرین	ظرفی کوچک برای نگهداری جواهر	به رنگ زر، طلائی
تقدیر	عِنَب	فرمان خدا، قسمت و سرنوشت	انگور
عاجز		ناتوان	

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی: در صبح زود اوّل بهار که طول شب و روز آن یکسان است، رفتن به صحرا و تماشای گل های زیبای بهاری، لذّت بخش است.

دانش ادبی: لیل و نهار: تضاد / بهار و نهار: جناس / دامن صحرا: ترکیب اضافی / بامداد، لیل، نهار: مراعات النظیر /

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی: تمام پدیده های آفرینش برای آگاه کردن انسان های عارف است و اگر کسی وجود خدا را انکار کند، ذوق و احساسی ندارد.

دانش ادبی: واج آرای صامت « د » / که و به : جناس / دل : مجاز از احساس و عاطفه / خداوند در دو مصراع : جناس تام

دانش زبانی: آفرینش: وندی / که در مصراع دوم به معنی کسی که، ضمیر مبهم است / همه: بدل

این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بُود بر دیوار

معنی: هر کسی که با این همه نقش ها و پدیده های شگفت انگیز هستی به آفریننده ی آنها نیندیشد، مانند تصویر روی دیوار، سرد و بی روح است.

دانش ادبی: در و دیوار: مراعات نظیر / دیوار وجود: اضافه تشبیهی / بر و در: جناس / تشبیه در مصراع دوم

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند نه همه مستمعی، فهم کند این آسوار

معنی: همه موجودات هستی در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده ای این راز را درک نمی کند.

دانش ادبی: کوه و دریا و درختان: مراعات النظیر / تشخیص: تسبیح گفتن کوه و دریا و درختان / بیت تلمیح دارد به آیه ۴۴ سوره اسراء

خبرت هست که مرغان سحر می گویند: آخر ای خفته، سر از خواب جهالت، بردار؟

معنی: آیا برای تو خبری هست که پرندگان سحری می گویند: ای انسان غافل، از بی خبری رها شو.

دانش ادبی: خواب، سحر و خفته: مراعات نظیر / سر و سحر: جناس / خواب جهالت: اضافه تشبیهی / سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری

/تشخیص: سخن گفتن مرغان

دانش زبانی: « ت » در خبرت، متمم است (برای تو خبری وجود دارد؟) / خفته: صفت جانشین اسم: ای انسان خفته

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

معنی: تا کی می خواهی مانند گل بنفشه در غفلت و نادانی به سر ببری. حیف است که تو بی خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

دانش ادبی: بنفشه و نرگس: مراعات نظیر / چو بنفشه: تشبیه / (در و سر) و (چو و تو): جناس / سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه / تشخیص: سرداشتن

بنفشه و بیدار بودن نرگس / تضاد: خواب و بیدار

دانش زبانی: «حیف» نقش مسند دارد. / «ی» در خوابی، به معنی «هستی» فعل اسنادی است.

که تواند که دهد میوه ی ألوان از چوب؟ ا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟

معنی: تنها خداوند بزرگ است که می تواند از چوب درخت، میوه های رنگارنگ و از خار، گل های سرخ زیبا، پدید آورد.

دانش ادبی: چوب: مجاز از درخت / گل و خار: تضاد / گل ، برگ، خار: مراعات النظیر / هر دو مصراع: پرسش انکاری

دانش زبانی: هر دو مصراع، استفهام انکاری است. / صد برگ: صفت مرگب



عقل حیران شود از خوشه ی زرّین عنب / فهم، عاجز شود از حقه ی یاقوت انار

معنی: عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر و فهم از درک ظرافت دانه های انار که مانند یاقوتی سرخ و ارزشمند، می درخشد، ناتوان است.

دانش ادبی: حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم: تشخیص / عنب و انار: مراعات نظیر / حقه یاقوت انار: اضافه تشبیهی (دانه های انار به کیسه ای پر از یاقوت تشبیه شده است).

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز / ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

معنی: خداوند پاک و بی عیب با فرمان خود، تمام پدیده ها و موجودات را (ماه و خورشید و شب و روز را) مطیع خود کرده است.

دانش ادبی: لیل و نهار: تضاد / ماه و خورشید: مراعات النظیر / بیت، تلمیح به آیات قرآن دارد. مصراع اول اشاره به آیه ۳۸ سوره یس و مصراع دوم اشاره به آیه ۳۳ سوره ابراهیم

تا قیامت سخن آندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

معنی: اگر همه مردم تا روز قیامت درباره بخشش و لطف خداوند سخن بگویند باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند، گفته نمی شود.

دانش ادبی: همه، یکی، هزار: تناسب / یک و هزار: تضاد

دانش زبانی: «تا، ز» حرف اضافه است و «قیامت، هزار» متمم است. / همه: ضمیر مبهم (نهاد) / یکی: ضمیر شمارشی (نهاد)

شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار / نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است

معنی: پروردگارا نعمت های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکرگزاری نمی تواند، شکر نعمت های بی کران تو را به جای آورد.

دانش ادبی: نعمت، شکر، انعام و شکر گزار: مراعات نظیر / ز عدد بیرون بودن: کنایه از بی شمار بودن / مصراع اول: تلمیح، آیه ۱۸ سوره نحل
دانش زبانی: «ت» در نعمت: مضاف الیه / هرگز: قید نفی

سعدیا، راست روان گوی سعادت بردند / راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

معنی: ای سعدی! انسانهای درست کار، به سعادت و خوش بختی می رسند، بنابراین تو هم انسانی صادق و راستگو باش، زیرا انسان های بدرفتار به هدف و مقصودش نمی رسد.

دانش ادبی: که و به: جناس / گوی سعادت: اضافه تشبیهی / گوی چیزی را بردند: کنایه از دست یافتن و سبقت گرفتن / به منزل نرسیدن کنایه از به هدف نرسیدن

دانش زبانی: سعدی: مناد و «ا»: ندا / راست روان: مرکب («ان» جمع در ساختمان اسم دخالتی ندارد.) / کج رفتار: مشتق. مرکب و صفت جانشین
اسم (انسان کج رفتار)

کلیات سعدی، بخش قصاید

کلیات سعدی: به مجموعه آثار سعدی می گویند. که شامل: گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید و قطعات است که در یک جلد کتاب گرد آمده است.
سعدی: مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی: (۶۹۰ - ۶۰۶ هـ. ق) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر اینها قطعات، قصاید و غزلیات، ترجیع بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در «کلیات» وی جمع کرده اند.

نکته ادبی

پیش از این با تفاوت «زبان» و «ادبیات» آشنا شدیم و دانستیم که هرگاه بخواهیم منظور خود را زیباتر و دلنشین‌تر بیان کنیم، از ادبیات بهره می‌گیریم. به همین دلیل است که ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می‌نامند. شعر، جلوه‌ای از زبان ادبی است. در درسی که خواندیم، شاعر از برخی آرایه‌ها برای ایجاد زیبایی و جذابیت در زبان هنری، استفاده کرده است.

تشبیه:

عقل حیران شود از خوشهٔ زرین عنب فهم، عاجز شود از حقهٔ یاقوت انار

جان بخشی و مراعات نظیر:

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی، فهم کند این آسرار

نکته ۱: هرگاه بخواهیم منظور خود را زیباتر و دلنشین‌تر بیان کنیم از ادبیات بهره می‌گیریم. به همین دلیل است که ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می‌نامند.

مثال: خورشید طلوع کرد (زبان)

خورشید به چهره‌ی شهر لبخند می‌زند (ادبیات)

نکته ۲: تشبیه: یعنی چیزی را به چیزی مانند کردن.

هر تشبیه چهار رکن دارد:

۱. مشبه: چیزی یا کسی است که قصد مانند کردن آن را داریم.
۲. مشبه به: چیزی یا کسی است که مشبه به آن مانند می‌شود.
۳. ادات تشبیه: واژه‌ای است که نشان دهنده‌ی پیوند شباهت بین مشبه و مشبه به است.
۴. وجه شبه: ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به است.

مثال: زمین مانند فرفره‌ای بزرگ بدور خود می‌چرخد.

زمین: مشبه / مانند: ادات تشبیه / فرفره‌ای: مشبه به / به دور خود چرخیدن: وجه شبه

✓ نوع دیگری از تشبیه، اضافه‌ی تشبیه‌ی است.

✓ در این نوع تشبیه فقط مشبه و مشبه به ذکر می‌شود. (تشبیه بلیغ) و معمولاً جای مشبه و مشبه به عوض می‌شود.

مثال: دریای غم / (غم به دریا تشبیه شده است): دریای: مشبه به و غم مشبه و گاهی اول مشبه و سپس مشبه به می‌آید.

مثال: لب لعل یا قد سرو



نکته ۳:

تشخیص: همان جان بخشی یا انسان نمایی است. هر گاه ویژگی‌ها و حالات انسان را به غیر انسان نسبت دهیم تشخیص ساخته ایم. مثال: زنگ تفریح را که زنجره زد.

در این مصراع زدن زنگ تفریح را که کاری انسانی است را به غیر از انسان (زنجره) نسبت داده ایم. یعنی آرایه ی تشخیص ساخته ایم.

نکته ۴:

مراعات نظیر: هر گاه چند واژه با هم نسبتی داشته باشند، مراعات نظیر هستند.

مثال: تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار.

در این بیت بین بنفشه و نرگس مراعات نظیر است. نسبتشان این است که هر دو گل هستند.

مثالی دیگر: کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

در این بیت بین کوه و دریا و درختان نسبت وجود دارد و همه از یک مجموعه هستند.

✓ واژه شناسی: گاهی تغییر در حرکت یک واج موجب تغییر معنای یک واژه می‌گردد. به عنوان نمونه واژه ی انعام به معنی

بخشش و واژه ی انعام به معنی چهارپایان است.

حکایت

سفر

روزی پیر (مُرشد، راهنما) ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید.

معنی: افسارِ اسب کشید و ساعتی درنگ کرد (اسب را نگه داشت و مدتی در آن مکان توقف کرد).

پس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم.

معنی: (می‌گوید: شناخت آن چیزی است که من انجام می‌دهم).

گردِ خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!

معنی: (دور خودم می‌گردم و مدام در درون خودم سفر می‌کنم تا چیزهایی را که نباید در من باشد (مسائل منفی)، از خود دور کنم).

(اسرار التَّوحید، محمد بن منوّر)

اسرار التَّوحید فی مقامات الشَّیخ ابو سعید: کتابی است در احوالات شیخ ابو سعید ابی الخیر که محمد بن منوّر آن را نگاشته است.

لغات املائی

ذکر، سپهر، فروزنده، بینندگان، ستودن، تنبیه، اقرار، تسبیح، مستمع، اسرار، جهالت، غفلت، الوان، گُل و خار، حیران، زرین، عَنَب،

عاجز، حَقّه، یاقوت، تقدیر، مُسَخَّر، رحمت، انعام، شکرگزار، سعادت، منزل، مقصد، افسار، معرفت، پیوسته

نیایش

که نتوان برآورد فردا ز گل

بیا تا برآریم دستی زدل

معنی: بیا با تمام وجود ف خداوند را پرستش و دعا کنیم ، زیرا بعد از مرگ ، فرصت چنین کاری را نداریم.

دانش ادبی: دست برآریم: کنایه از مناجات و دعا بکنیم / دل و گل: جناس و قافیه / فردا: مجازاً قیامت / گل: مجاز منظور گور و قبر و مرگ است.

دانش زبانی: برآریم: فعل پیشوندی

به انعام و لطف تو ، خو کرده ایم

کریمما به رزق تو پرورده ایم

معنی: ای پروردگار بخشنده ، با روزی تو پرورش یافته ایم و به لطف و بخشش تو عادت کرده ایم.

دانش ادبی : پرورده ایم و خو کرده ایم، قافیه / کریم ، رزق ، انعام و لطف : مراعات نظیر

دانش زبانی: کریم: منادا «ا» نشانه ندا / خو کرده ایم: فعل مرکب ماضی نقلی

به عقبی همین نیز چشم داریم

چو ما را به دنیا تو کردی عزیز

معنی: خداوندا ، ما را در دنیا عزیز و گرامی داشتی ؛ امید داریم که در جهان آخرت نیز همین گونه باشیم.

دانش ادبی : عزیز و نیز: قافیه / دنیا و عقبی : تناسب و تضاد / چشم داریم: کنایه از توقع و امید داریم ؛ انتظار داریم.

دانش زبانی: به حرف اضافه: دنیا و عقبی: متمم / همین: ضمیر اشاره / چو: حرف ربط / نیز: قید / چشم داریم

ندارد به جز آستانت سرم

به لطفم بخوان و مران از درم

معنی: خدایا ، مرا با لطف و مهربانی خود بپذیر و از درگاهت دور نکن ، زیرا سر و جان من غیر از درگاه تو ، درگاه دیگری ندارم.

دانش ادبی : در و سر: جناس / در و آستان: مراعات نظیر / درم و سرم: قافیه

دانش زبانی: سرم در درم: مرا از در مران: مفعول / سرم در لطفم: مرا به لطف بخوان: مفعول / سرم در سرم: سر من: مضاف الیه / ست در آستانت:

آستان تو: مضاف الیه

ز بد کردنم دست ، کوتاه دار

چراغ یقینم فرا راه دار

معنی: خدایا ، نور بصیرت و ایمان را در برابرم قرار بده و مرا از انجام کارهای ناشایست دور کن.

دانش ادبی: چراغ یقین: اضافه تشبیهی / دست کوتاه دار: کنایه از انجام ندادن کار یا دست کشیدن از کاری / چراغ یقین فرا راه داشتن: کنایه از هدایت کردن

دانش زبانی: «م» در یقین: مضاف الیه (فرا راه من) / «م» در بد کردنم: مضاف الیه (دست من کوتاه دار) / دست: مفعول (دست من را)

خدایا به ذلت مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

معنی: خدایا، مرا با خواری و پستی از درگاهت، دور نکن، زیرا هیچ درگاهی جز درگاه تو، برای من، قابل تصوّر نیست.

دانش ادبی: درم و دیگرم: قافیه / صورت نبندد: کنایه از قابل تصوّر نبودن / از در راندن: کنایه از دور کردن از خود

دانش زبانی: «مَـم» در درم: مفعول، من را از درگاهت / «مَـم» در دیگر: متمم (دری دیگر برای من) / صورت نبندد: فعل مرکب

بوستان سعدی

قالب شعر: منثوی

بوستان: یکی از آثار سعدی شیرازی و مثنوی حکمی و اخلاقی است که در سال ۶۵۵ سروده شده و دارای ده باب است.

بوستان سعدی به ده باب تقسیم شده است:

(۱ عدل ۲ احسان ۳ عشق ۴ تواضع ۵ رضا ۶ قناعت ۷ تربیت ۸ شکر ۹ توبه ۱۰ مناجات)

خدایا به من توفیق تلاش در شکست، صبر در نومییدی، ایمان بی ریا، مناجات بی غرور، عشق بدون هوس، دوست داشتن بی آنکه دوست بداند، روزی کن.

معنی: خدای من، به من توفیق بده تا در شکست هایم دست از تلاش برندارم. در نومییدی صبور باشم؛ ایمان راستین و بی ریا، مناجات بدون غرور و عشق راستین داشته باشم. خداوندا! به من مهر ورزیدن بی آنکه دوست بداند نصیب کن.

خداوندا! به من زیستنی عطا کن که در لحظه مرگ، بر بی ثمری لحظه ای که برای زیستن گذشته است، حسرت نخورم و مردنی عطا کن بر بیهودگی اش سوگوار نباشم.

معنی: خدایا! به من آن زندگی را عطا کن که هنگام مردن به خاطر بی فایده بودن تک تک لحظه های زندگی سپری شده، افسوس نخورم و مرگی عطا نکن که بخاطر بیهوده بودنش، اندوهگین شوم.

خداوندا! به مؤمنان ما روشنایی و به روشنفکران ما ایمان و به خفتگان ما بیداری و به بیداران ما اراده و به مسلمانان ما قرآن، به فرقه های ما وحدت، به مردم ما خودآگاهی و عزّت ببخش.

معنی: خداوندا! به انسان های مومن روشنی و روشن بینی و به انسان های دارای اندیشه ی روشن، ایمان و اعتقاد و به انسان های به خواب رفته و غافل، بیداری و آگاهی و به انسان های بیدار و آگاه، پشتکار و اراده و به مسلمانان بهره‌مندی از قرآن و به گروه‌های مسلمانان و احزاب، اتحاد و یگانگی و به مردم، خودشناسی و خودآگاهی و سربلندی ببخش.

دکتر علی شریعتی (۱۳۱۲-۱۳۵۶ ه. ش) در مزینان خراسان به دنیا آمد وی فرزند استاد محمد تقی شریعتی بود.

کتاب‌های فاطمه فاطمه است، کویر و اسلام شناسی از آثار اوست.



✓ واژه شناسی

واژه‌هایی که به « های بیان حرکت » (ه / ه) تمام می‌شوند، هنگام اضافه شدن « ی » نکره به آخر آنها، بدین گونه نوشته می‌شوند.

* خانه + ی = < خانه‌ای

* بنده + ی = < بنده‌ای

(این « ی » نشانه ناشناختگی اسم است.)

اما واژه‌هایی که با « واو » تمام می‌شوند، هنگام اضافه شدن « ی » نکره به آخر آنها، این گونه نوشته می‌شوند:

* دانشجو + ی = < دانشجویی

* رادیو + ی = < رادیویی

* آهو + ی = < آهویی

لغات املائی

تصویر، مارهای بوا، هضم، بلعیده، توضیح، فنّ ظریف نقّاشی، تصمیم، حدس زدن، حیرت، وقار، سیّاره، بلافاصله، آذرخش، عزیمت، بیهودگی، علاقه مند، محتاج، همتا، نغمه موسیقی، وداع، مسئول، ذخیره، مفتون، فراغت، سرور، لبریز، مجسمه سازی، ترجیح، واقعی، قضاوت، مشتاق، علامت، ترسیم، مطمئناً، مات و مبهوت، مسلط، رزق، عقبی، چراغ یقین، ذلت، توفیق، بی ثمری، سوگوار، فرقه، عزّت، مشغول، احتیاج به توضیح، نصیحت، صحرا، تعمیر، مسئله، لابد، اهلی، بلافاصله، ذهن، آذرخش، مشاهدات، ورقه کاغذ، تصوّر، علف، آوخ، حیف، سعادت، شعله چراغ، برگزار شد، حوالی، هورا، ثابت، آستان، بی غرور، هوس، عطا، بیهودگی اش، خفتگان

فهرست کتاب‌های برگزیده پایه نهم انتشارات لوح برتر

بها (تومان)	نام کتاب
۳۴۸/۰۰۰	ایکیوسان پلاس نهم (آموزش و درسنامه + سوالات طبقه‌بندی تیزهوشان و نمونه‌دولتی) ویژه آمادگی آزمون‌های تیزهوشان و نمونه‌دولتی و آزمون‌های پیشرفت تحصیلی سمپاد فیلم آموزشی + سامانه آزمون‌ساز آنلاین رایگان
۲۸۸/۰۰۰	ایکیوسان نهم ۱۴۰۱ (سوالات درس به درس تیزهوشان و نمونه‌دولتی نهم) ویژه آمادگی آزمون‌های تیزهوشان و نمونه‌دولتی و آزمون‌های پیشرفت تحصیلی سمپاد سامانه آزمون‌ساز آنلاین رایگان
۲۲۵/۰۰۰	۳۲ استان نهم ۱۴۰۲ لوح برتر (آزمون‌های نمونه‌دولتی ۳۱ استان کشور) آزمون‌های ورودی دبیرستان‌های نمونه‌دولتی با پاسخ کاملاً تشریحی (سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲) فیلم آموزشی + سامانه آزمون‌ساز آنلاین رایگان
۲۴۵/۰۰۰	۳۲ استان نهم ۱۴۰۱ لوح برتر (آزمون‌های نمونه‌دولتی ورودی سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰) + سامانه آزمون‌ساز رایگان
۲۴۵/۰۰۰	۳۲ استان نهم ۱۴۰۰ لوح برتر (آزمون‌های نمونه‌دولتی ورودی سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹) + سامانه آزمون‌ساز رایگان
۲۴۵/۰۰۰	۳۲ استان نهم ۱۳۹۷ لوح برتر (آزمون‌های نمونه‌دولتی ورودی سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶) + سامانه آزمون‌ساز رایگان
۳۴۵/۰۰۰	هوش برتر نهم ۱۴۰۲ (درسنامه کامل و تست‌های طبقه‌بندی استعداد تحلیلی تیزهوشان) فیلم آموزشی + سامانه آزمون‌ساز آنلاین رایگان
۲۴۶/۰۰۰	اسمارت ریاضی نهم (آموزش پیشرفته و کامل ریاضیات تیزهوشان و نمونه) انواع سوالات طبقه‌بندی تیزهوشان و نمونه‌دولتی با پاسخ کاملاً تشریحی سامانه آزمون‌ساز آنلاین رایگان
۷۵/۰۰۰	فست‌بوک ریاضی نهم (آموزش سریع، آسان و کامل) آموزش کامل تمام مطالب کتاب درسی، تمرین‌های تشریحی و امتحانات ترم اول و دوم مدرسه
۱۱۸/۰۰۰	آزمایش‌های کاربردی و جذاب علوم هفتم، هشتم و نهم (یک کتاب برای سه سال) آموزش مطالب پیچیده علوم تجربی با آزمایش‌های ساده و کاربردی
۲۱۸/۰۰۰	بوک آزمون علوم تجربی نهم (۳۲ استان سوالات امتحانات نهایی) ویژه امتحانات نهایی انواع سوالات طبقه‌بندی و فصل به فصل امتحانات نهایی با پاسخ‌های کاملاً تشریحی
۹۸/۰۰۰	فارسی برتر نهم آموزش مطالب آموزش کامل و نکات طلایی ویژه دانش‌آموزان مدارس برتر

با خرید سامانه آزمون‌ساز آنلاین لوح برتر می‌توانید به صورت آنلاین به‌نهایت باز از خودتون انواع آزمون‌های تستی درس به درس، مبحثی و جامع رو برگزین و بلافاصله کارنامه علمی و نمودارهای پیشرفت تحصیلی رو ببینید.

با ما تماس بگیرید: ۶۶ ۱۷۵ ۰۵۳ ۶۶ ۹۷۲ ۴۷۸ ۶۶ ۹۷۱ ۸۰۴ ۰۲۱- ۶۶ ۹۷۱ ۹۷۰

فقط با ۷۵/۰۰۰ تومان، لطفاً به سرک به سایت مون بزنید Lohebartar.ir

آدرس: تهران - میدان انقلاب - خیابان وحید نظری - بین خیابان ۱۲ فروردین و فخرآری - کوچه فرزانه - پلاک ۱۰